



A mother's prayer for her child

The Christian Science Monitor

July 16, 2003

دعای مادر برای فرزندش

اگر یکی از فرزندان عزیز شما، در یکی از شهرهای دور مریض شود و شما به هیچ وجه دسترسی به وجود نازنینش نداشته باشید برای کمک چه خواهید کرد؟

باصدای بلند زنگ تلفن بیدار شدم. دخترم بود، که از آمریکای جنوبی زنگ میزد. با خواهرش به گردش رفته بودند. بمن گفت که ناگهان حال خواهرش بهم خورده و هم اکنون سخت بیمار است. با این خبر یک باره ستون های آرامش روحم فرو ریخت. فرشته شادی از آشیانه ام گریخت. دریای نگرانی پیش چشمم پر شد. غمگین شدم. من در آن حالت که دست هایم بسته بود چه کاری میتوانستم انجام دهم؟ دعا تنها چاره ای بود که به آن دسترسی داشتم. آن دعا که بیش از هر دوا اثر خواهد داشت. این تنها راهی بود که میتوانستم دخترم را نجات دهم. از وقتی که بچه هایم هفت و نه ساله بودند، هر وقت به مشکلی گیر میکردیم تنها به دعا متکی بودیم. ایامی را دیده بودند که در بیمارستان سخت بیمار بودم. وقتی به منزل باز گشتم، ناتوانی را در همه وجودم احساس میکردم و در آن موقع بود که هر شب دعا میکردم. از خدا که از همه بمن و به همه نزدیکتر است میخواستم بمن توانایی ببخشد.

در آن روزهای سخت به نقاشی های آنها و نامه های نازنینشان و عکسهای قشنگشان را که برای من درست کرده بودند نگاه میکردم. تمامشان دور تا دور خانه روی دیوارها پراکنده بود. شوهرم هرچه از دستش برمیآید کرده بود اما من تمام مدت به عنوان یک مادر احساس بیهودگی میکردم.

در همین زمان بود که یک نفر مرا به کتاب مرئی بیکر ادی : (علم و سلامتی با کلید به کتاب مقدس) معرفی کرد. وقتی با این کتاب آشنا شدم دیگر غم گمگشته را نداشتم. چنان جذب روحانیت این کتاب شده بودم که نمیتوانستم آنرا از خود دور کنم. گاهی روزها تا نه ساعت این کتاب زنده را با عشق میخواندم.

چه خوب شد که کشف کردم که مادر آسمانی در میان این کتاب جاودانی نشسته و به همه مهربانی مینماید. هیچکس را از خانه اش نمی راند.

اگر خدا مادر است، بچه هایش را هجوقت تنها نمیگذارد. مگر من چقدر بچه هایم را میپرستیدم و همیشه بهترین چیزها را برایشان آرزو میکردم. خدا هم همین همه بچه هایش را دوست دارد منتها با عشق و محبت بی انتها. از ته دلم درخواست کردم که این عشق و محبت مادر آسمانی را نسبت به خودم احساس کنم.

روزی در اعماق دعا زیر پای این مادر آسمانی نشسته بودم و دل به دیدارش بسته بودم. تمام وجودم را از چشمه عشق خود پر و لبریز کرد. آنچنان دید دیگری بمن بخشید که وقتی با چشم های تازه ام نگاه کردم خشت و خلقت خداوند را همه زیبا دیدم. خدایا این همه وقت کجا بودم که اینها را ندیده بودم؟

For this translation in English and other translations in Farsi, please see <http://translations.christianscience.com>

با این بخشش مرا هم مانند خود مادر همه بچه های دنیا کرد.
 از همان روز تمام بنیه ام قویتر شد. روزی رسید که تمام کارهای خانه
 و فامیل را دوباره خودم انجام میدادم. بچه هایم شاهد این چیزها
 بودند. دخترم را به حضور این مادر آسمانی بردم. با اعتقاد واقعی به
 مهر الهی ذره ای شک نداشتم. اصمیشان داشتم مهر خداوند شامل
 حالش خواهد بود. زیرا خداوند نگردار تمام فرزندانست هست و خواهد
 بود. مهر الهی برای هر کدام از فرزندانست هدفی دارد. در قسمت خدا
 برای فرزندانست کمبودی وجود ندارد. من با اصمیشان کامل به خدا که
 مادر بچه هایم بود امید داشتم. روز بعد به دخترمان زنگ زدیم.
 همسفرانش به سفرشان ادامه داده بودند. دخترم حالش کاملاً خوب
 شده و به بقیه دوستهایش ملحق شد.

سالها پیش مادرم روزی بمن گفت که پیش از تولد تو برای تو دعا کرده
 بودم. با حیرت و اشتیاق پرسیدم (مادر، چه درخواستی برای من کرده
 بودی؟) گفت: دعا کردم که در تمام عمرت خدا همراه تو باشد تو را با
 عشق خودش نگر دارد.

آن روزی رسید که محبت مادر الهی را توسط خواندن يك کتاب کشف
 کردم- آن مادری که هجوقت هیچ کدام از فرزندانش را رها نخواهد کرد.

دستی که گهواره را تکان میدهد- دنیا را میگرداند. تجربیات و زنده
 گانی مردان بزرگ در دنیا به واقعیت این مثل گواهی میدهد. خداوند
 متعال همیشه دعای همه و والدین را جواب خواهد داد. خداوند پیر همه
 ما و مادر همه ما است. به دعاهایتان اعتقاد داشته باشید. خداوند همه
 دعاها را جواب خواهد داد.